قلب رسانه

نسبت اعتدال در ارتباط اجتماعی با تحکیم بنیان خانواده

برنامه «چراغ» شبکه ۵، در هفته جاری میزبان «معصومه صارمی» بود که سال‌ها در حوزه گویندگی رادیو دارای سابقه بوده و کارشناس ارشد حقوق خصوصی با بیش از ۱۵ سال سابقه وکالت، رئیس کمیسیون فرهنگی هیئت مدیره مرکز وکلای استان تهران و نماینده کمیسیون معاضدت مرکز وکلای قوه قضائیه و همچنین مادر سه فرزند موفق است.صارمی با اشاره به نقش مهم رفتارهای عقیقانه و رعایت حد و حدود در روابط بین زن و مرد در میزان استحکام بنیان خانواده‌ها و به تبع آن در وفاداری زوجین به همدیگر با بهره‌گیری از کلام رسای امیرالمؤمنین امام علی(ع) گفت: وقتی ریشه و اصل انسان خوب و نیکو باشد، نهان و آشکار او هم بیشتر زنان و مردانی که به مراجع قضایی مراجعه می‌کنند خسته‌دار شود، به ناچار کارشان به مراجع قضایی می‌رسد.

وی خاطرنشان کرد: طی سال‌ها تجربه در امور قضایی و مشکلات خانوادگی، بسیار کمتر دیدم خانواده‌ای اهل رعایت مسائل دینی باشد و با مشکلات اینچنینی برخورد کند. بلکه اکثراً افراد به‌خاطر دلبستگی‌های زودگذر، حریم لازم در روابط اجتماعی را رعایت نکرده و به همین دلیل با بهره‌گیری از این فرمایش امیرالمؤمنین(ع) می‌توانند متوجه شوند ابراز کارشان کجاست و کجا کم گذاشته‌اند! به تجربه و طی سال‌ها مراجعات و پرونده‌هایی که داشته، خانم یا آقا بسیار از وضع فعلی خود شاکی و گله‌مند بودند، در حالی که در اولین نگاه و برخورد متوجه می‌شدیم اهل رعایت برخی حریم‌ها نبوده و پوشش و رفتاری که شایسته است را ندارند. عمدتاً وقتی حریم خانواده خدشه‌دار شود، به ناچار کارشان به مراجع قضایی می‌رسد.

وی خاطرنشان کرد: طی سال‌ها تجربه در امور قضایی و مشکلات خانوادگی، بسیار کمتر دیدم خانواده‌ای اهل رعایت مسائل دینی باشد و با مشکلات اینچنینی برخورد کند. بلکه اکثراً افراد به‌خاطر دلبستگی‌های زودگذر، حریم لازم در روابط اجتماعی را رعایت نکرده و به همین دلیل خدشه‌دار شود، به ناچار کارشان به مراجع قضایی می‌رسد.

وی خاطرنشان کرد: طی سال‌ها تجربه در امور قضایی و مشکلات خانوادگی، بسیار کمتر دیدم خانواده‌ای اهل رعایت مسائل دینی باشد و با مشکلات اینچنینی برخورد کند. بلکه اکثراً افراد به‌خاطر دلبستگی‌های زودگذر، حریم لازم در روابط اجتماعی را رعایت نکرده و به همین دلیل

موعظه

آیت‌الله احمد عابدی

❯ رسالت اصلی طلبگی، امامت مسجد است

به کار بردن تعبیر «امام» برای ائمه جماعات بسیار مناسب است. برخی بیش از حد روی این عبارت حساسیت دارند؛ بهتر است به جای عبارت‌های تقیلی نظیر «حضرت حجت‌الاسلام» از کلمه «امام» برای ائمه جماعات بهره ببریم، این در دنیای اسلام از جمله ترکیه و پاکستان و دیگر کشورها متعارف و جا افتاده است.

در گذشته افرادی که سن بالایی داشتند در مساجد جمع می‌شدند و در کنار عبادت و ذکر به گفت‌وگو با هم می‌پرداختند؛ اما اکنون دمِ مساجد را بسته‌ایم و جای مساجد را پارک‌ها گرفته‌اند که این خود دارای آسیب‌هایی است.

در مسجد در زمان پیامبر اکرم(ص) یکسره به روی مردم باز بود، نه اینکه تنها در وقت نماز باز باشد؛ مساجد می‌توانند کارکردهای بسیاری در رسیدگی به مشکلات اجتماعی مردم داشته باشند. باید در این خصوص مطالعات و بررسی‌هایی صورت بگیرد.

تربیت امام جماعت برای مساجد کار بسیار مهمی است. اینکه یک طلبه در اداره‌های مدیر شود خارج از حیطه رسالت طلبگی است، حتی قضاوت هم کار اصلی طلبه نیست؛ رسالت اصلی طلبه، امامت جماعت و مسجد است.

یک خاطره از آیت‌الله مهدوی کنی بگویم. ایشان می‌گفتند این مسجد بود که برای ما نیرو تربیت کرد نه دانشگاه؛ای کاش درس‌های حوزه‌های علمیه هم به سمتی برود که روش امامت و مسجدداری را به طلاب بیاموزد.

درباره فلسفه معماری و نقش‌های به‌کار رفته در طراحی‌های مساجد هم باید بگویم خراج‌ها، کاشی‌کاری‌ها و حتی گل‌هایی که در کاشی مساجد به کار می‌رود ویژه است و این موضوع نشان می‌دهد سرّی وجود دارد و آن این است مبدأ حرکت، مسجد است و به عالم غیب می‌رسد.

این سبک معماری و کاشی‌کاری دارای اسرار و معنا و مفهوم خاصی است؛ اما متأسفانه در این زمینه کم‌کاری شده و باید به آن پرداخته شود.

ادبِ الرضا

شاعر شعر معروف چایخانه حضرت چه کسی است؟

بهشت اینجاست
اینجایی که دارم چای می‌نوشم

اگر شما هم از کسانی باشید که در این مدت به چایخانه حرم رفته‌اند، حتماً با خیمه زیبای چایخانه و شعری که روی آن و همچنین روی لیوان‌های چای و دمنوش نوشته شده آشنا هستید. شعری که از هفان روزهای آغازین فعالیت چایخانه حضرت، ورد زبان خادمان وزائران امام‌رضا(ع) شده و حال آن‌ها را خوش کرده است. میلاد حبیبی، شاعر جوان اصفهانی که این شعر را برای چایخانه حضرت سروده، درباره این اتفاق به خبرگزاری مهر می‌گوید: وقتی با من تماس گرفتند و این موضوع را مطرح کردند، متوجه شدم ظاهراً یکی دو نفر از دوستان دیگر هم قرار بوده این شعر را بنویسند ولی نتوانسته‌اند کاری از پیش ببرند. آن طور که یادم است باید شعر به تأیید آقای مروی، تولیت حرم رضوی می‌رسید و نیاز خادمان چایخانه برای شعر فوری بود. من هم احساس کردم وقتی چندنفر نتوانسته‌اند این شعر را بنویسند، اگر زنگ و روزی باشد می‌نویسم و اگر زنگ من نباشد، به عهده کسی دیگر می‌افتد. خوشبختانه با اینکه آن روزها مقداری گرفتار دانشگاه و مسائل مختلف بودم، توانستم این شعر را بنویسم و برای دوستان ارسال کنم که مورد استقبال آن‌ها هم قرار گرفت.

میلاد حبیبی که هنوز خودش به حرم نرفته تا میهمان چایخانه حضرت شود و شعرش را در طراحی‌های چایخانه و لب‌لیوان و محاوران ببیند، در این باره می‌گوید: از وقتی شعرم داخل حرم ثبت شده انگار خودم «ورود ممنوع» شده‌ام و هر بار می‌خواهم به مشهد بروم اتفاقی می‌افتد و میسر نمی‌شود. هنوز طلبیده نشده‌ام، امیدوارم به زودی قسمت شود به مشهد مشرف شوم.

این شاعر شعرشوق دیدار حرم و حال شعر گفتن برای حرم و زمزمه آن توسط زائران و مجاوران و خادمان بیان می‌کند: وقتی فهمیدم قرار است این شعر در کنار یک اتفاق بدیع و تازه مثل چایخانه حضرت قرار بگیرد، واقعاً برایم منحصربه‌فرد بود. وقتی عکس‌های اولیه شعر روی کتیبه‌های چایخانه و لیوان‌ها را دیدم، خیلی برایم جذاب و خوشایند بود و احساس کردم خودم را در چنین جایگاهی نمی‌بینم. من این توفیق را لطف خدا می‌بینم و فکر می‌کنم بیشتر از لیاقتم به من داده شده است. خوب است یک ماجرا را تعریف کنم. من پیش از نوشتن این شعر یک بار به مشهد آمده بودم و آن دفعه وقتی در حرم امام‌رضا(ع) نماز می‌خواندم به امام رضا(ع) می‌گفتم: «همه دوستان من سابقه یک‌بار شعرخوانی در حرم را دارند، ولی من هنوز این توفیق را پیدا نکرده‌ام. خودت یک‌جوری این توفیق را فراهم کن و حالی به دل من بده. ما هرچه داریم و نداریم از شما داریم. لطفاً نگاهی به شعر ما بکن...». از این ماجرا گذشت و گذشت تا اینکه چندماه بعد توفیق شعر نوشتن برای چایخانه حاصل شد. به نظرم این اتفاق استجابت همان دعایی بود که من در حرم داشتم و خوشحالم نتیجه آن صحبت دونفره بین من و حضرت این‌گونه رقم خورد.

بسیاری از کسانی که به چایخانه حضرت می‌روند میلاد حبیبی را در شبکه‌های اجتماعی، منشن و شعر او را بازنشر می‌کنند. حبیبی درباره این تجربه منحصربه‌فرد می‌گوید: آدم دوست دارد تمام لحظه‌های عمرش را در حرم امام رضا(ع) نفس بکشد. من به همین خاطر که شعرم داخل حرم کار شده، مدام در اینستاگرام منشن و تگ می‌شوم. زائران عکس هایشان را برایم می‌فرستند و با من حرف می‌زنند و خلاصه به انواع راه‌های مختلف یادم می‌کنند. من در برابر این اتفاق می‌گویم خدارا شکر که اگر خودم توفیق را نداریم تمام لحظه‌های عمرم را داخل حرم امام رضا(ع) باشم -چون آدم دوست دارد لحظه لحظه زندگی‌اش را در حرم بگذراند- ولی کسانی هستند که در تمام لحظه‌ها آنجا هستند و با دیدن و خواندن شعر من که داخل حرم است، بدون اینکه من را بشناسند و یا بدانند این شعر از کیست، به یاد من هستند. امیدوارم این شعر از آینده هم در چایخانه‌های حضرت ماندگار باشد. من این شعر را یک هدیه می‌دانم و امیدوارم به نقطه‌ای برسم که به خاطر بی‌لیاقتی این توفیق را از من سلب کنند. خوشبختانه بعضی بیت‌های این شعر خیلی مشهور شده و فضا طوری است که انگار مردم و زائران، چایخانه حضرت و این شعر را با همدیگر می‌شناسند. حتا با بابت این اتفاق شکر می‌گویم و امیدوارم این توفیق مستمر باشد.

در ادامه این شعر را می‌خوانید:

رسیده تا حرم/ گویی کسی می‌گفت در گوشم/ بیا ای خسته از دنیا/ که من باز است آغوشم

سلیمانا بیا بردار/ بار از شانه مردی/ مرا باری بدست از غم‌ها/ که سنگین است بر دوشم

کجا پیدا کنم دیگر/ شراب از این طهورانم؟/ بهشت اینجاست/ اینجایی که دارم چای می‌نوشم

به‌جز دامان تو/ دستانم از هر ثروتی خالیست/ مکن ای شاه/ در تنهایی محشر فراموشم

آمنه مستقیمی | «گاهی خدمت‌ها می‌تواند خیلی خیلی پنهانی تر و لطیف‌تر باشد؛ قلب مردم ما از ولایت اهل بیت(ع) سرشار است و در همه اصناف آن قدر مهر حضرت رضا(ع) به دل مردم مانشسته که هر کسی نام امام‌رامی شنود گویی مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوالِ در او جلوه می‌کند و حالش خوب می‌شود! البته هر کسی به نسبت ظرفیت وجودی‌اش از این تحول بهره‌مند می‌شود»؛ این جملات بخشی از سخنان سجّاد الاسلام والمسلمین علی سرلک، استاد دانشگاه و کارشناس مذهبی است که در چهارشنبه‌های امام رضایی با قدس در میان گذاشته است. در ادامه مشروح آن تقدیم خصوصتان می‌شود.

■ **چهارشنبه‌های امام رضایی به عنوان ظرف زمانی خاص چه فرصتی را برای انس و الفت با امام رضا(ع) و بهره‌مندی از آثار و برکات این ارتباط فراهم می‌کند؟**

اینکه انسان همواره دنبال رابطه با خدای متعال و اولیاءالله باشد، امری بدیهی است. عطش ما در ارتباط با خدا و مظاهر او بی‌پایان است از این رو، باید برای رفع این عطش به نقاط تمرکز زمینی و زمانی متمسک شویم؛ زیرا نگاه‌ها اماکنی هستند که در آن‌ها دل‌های ما به مرکزی که محل رفت‌وآمد فرشتگان و محور توجه خداست، گره می‌خورد؛ مثل کعبه که گردا گرد آن عطش و طلب انسان برای ارتباط با خدا عینیت می‌یابد.

چهارشنبه‌های امام رضایی از خوش سلیقگی هایی است که نیاز و طلب ما به ارتباط با امام رضا(ع) را به یک زمان مشخص پیوند می‌زند و عهد و میثاقی را در قطعه مشخصی از هفته برقرار می‌کند. به هر حال شبیه این ارتباطات و این پهنه‌ها همیشه مطلوب و هم کارگشاست و هم می‌تواند نقطه ثقلی برای رهایی ما از بسیاری از گرفتاری‌ها باشد، گرفتاری‌هایی که با تجربیات اشتباه خود در دنیا رقم زده‌ایم.

اگرچه همه روزها و لحظات ایام‌الله هستند و به خدا و اولیای او اختصاص دارند و همه سرزمین‌ها ملک خداست اما تمرکز بر رابطه با امام رضا(ع) در چهارشنبه‌ها، به طور ملموس عطش و نیاز ما را پاسخ می‌دهد و توانسته برکات و جاذبه‌های بسیار داشته باشد. مثل عرض ارادتی که در ساعات ۸ صبح و۸ شب در شبکه‌های مختلف صداوسیما با صلوات خاصه به محضر حضرت ثامن الحجج(ع) می‌شود. البته باید توجه داشت این خوش‌سلیقگی‌ها با خرافات و برخی اعمال من‌درآوردی، مرزی باریک دارد و باید مراقب حفظ مرزها و حریم‌ها باشیم.

■ **انس و الفت با امام رضا(ع) چقدر مشروط به حضور در حرم است؟ چطور ارزاء دور هم می‌توانیم عطش زیارت امام رضا(ع) را برطرف کنیم؟**

حقیقت زیارت یعنی عرض ارادت به ولی خدا و تجدید عهد و پیمان با او برای پیمودن راه خدا؛ بُعد منزل در چنین ارادت و نگاهی معنا ندارد و دور و نزدیک نمی‌تواند مانع تحقق یافتن ماهیت زیارت باشد؛ به تعبیر شاعر «گر در یمنی چو با منی پیش منی»... اگر دل به صریح ارادت ولی خدا گره بخورد دیگر دور و نزدیک زیارت فرقی ندارد.

زیارت به میزان پیوند و عطش ما بستگی دارد؛ گاهی ممکن است از راه دور اتفاقی به نام پیوند و زیارت و الحاق رخ دهد که شاید در نزدیک چنین اتفاقی رخ ندهد.

اگر چه ما مأمور هستیم به زیارت برویم و آنجا امکان ارتباط بیشتری برایمان فراهم می‌شود اما ما یدان باشد باتوجه به تعبیر قرآن کریم «هر طرف رو کنیم به سمت خدا رو کرده‌ایم» از دور هم می‌توان زیارت کرد. مثل ارتباط و پیوندی که بین اویس قرنی با پیامبر(ص) ایجاد شد؛ قلب او مملو از عشق زیارت پیامبر(ص) بود اما براساس قرارى که با مادرش داشت باید در زمان معینی به سمت یمن بازمی‌گشت در حالی که اتفاق ظاهری زیارت رخ نداد و او مدینه را ترک کرد اما همین که پیامبر(ص) وارد شهر شدند، فرمودند: من بوی خدا را از جانب یمن استشمام می‌کنم!... چون قلب اویس مملو از عطش به پیامبر(ص) بود و می‌خواست حضرت رسول(ص) را ملاقات کند و برای پیمودن راه خدا از محضر ایشان بهره بگیرد، رایحه و جودی او رحمانی، الهی و ربانی شده بود. جالب اینکه اویس تا آخر عمر خود پیامبر(ص) را ندید اما از زائران نامدار و نام‌آورحضرت(ص) باقی ماند و بابی را در مسیر زیارت گشود که هنوز هم پیش روی مشتاقان باز است.

از این رو، قلوب مؤمنان، موحدان و مشتاقان اهل بیت(ع) مرزهای زمینی و زمانی را نمی‌شناسد و پیوند ناگسستنی بین آن‌ها با اولیای الهی وجود دارد؛ «عهد ما با لب شیرین دهنان بست خدا/ ما همه بندیم و این قوم خداوندانند». به طور خلاصه باید گفت اگرچه اصل بر زیارت حضوری است اما معنایش این نیست راه زیارت از دور بسته است و چه بسا از دور به زیارتی برسیم که برخی از نزدیک به آن دست نیابند.

■ **در رسیدن به معرفت زیارت چقدر نیازمند شیبه شدن به امام رضا(ع) در اوصافی همچون رضا و رأفت هستیم؟**

حضرت سید الشهدا(ع) وقتی خواستند از مدینه حرکت کنند، فرمودند: هر کس می‌خواهد با خدا برود با ما بیاید؛ این یعنی کسی می‌تواند به سمت خدا حرکت کند که با ولی خدا همراه شود و به زیارت به معنای حقیقی آن برسد؛ این زیارت یعنی بخواهد سنخیت بیابد و مشابهت پیدا کند و به اندازه ظرف وجودی خود(در هر کسی این ظرفیت متفاوت است) از اقیانوس بی‌کرانه فضائل و کرامات ولی خدا، خود را سرشار کند. اساساً زیارت جریان سنخیت‌ساز است؛ زیارت مسیر همانندی است برای همیابی با ولی خدا در رسیدن به مقام صدق. زیارت برای این است که زائر به محضر ولی خدا شرفیاب و با او همگام شود؛ این رخ نمی‌دهد مگر آنکه زائر در پی شباهت و سنخیت باشد؛ به عنوان مثال همچون امام مهربانی‌ها(ع) به قدر ظرف وجود خودش اهل شکر و رضا، حسن خلق، امانت‌داری، راستگویی و صداقت باشد. زیارت یعنی زدودن غبار از آینه دل برای انعکاس چهره و شخصیت ولی خدا. در روایت از معصوم(ع) است: هر کس زائر ما را زیارت کرده است.

■ **تعبیر مشهدی یا کربلایی که برای زائر به کار می‌بریم و بین ما مرسوم است چقدر به این سنخیت و شباهت بازمی‌گردد؟**

چون زائر در ظرف وجودی خود شبیه ولی خدا شده وقتی به شهر نوس یا مشهد می‌رود به اندازه بهره‌اش رضوی شده نه فقط مشهدی، یعنی پیوند و قرابت او با امام‌رضا(ع) فقط مکانی نیست. چون زمان و مکان را در این نسبت‌ها و زیارت‌ها بی‌معنا داریم انسان رضوی می‌شود، به اندازه طلب و ظرف وجود و طلب و آمادگی زائر پیوندش با امام(ع) در قبر و قیامت با او خواهد بود. اگر امام رضا(ع) در مشهد نبودند ما مشهدی نمی‌شدیم چنان‌که با سفر به کرمان یا یزد کرمانی و یزدی نمی‌شویم... اینکه به زائر مشهدالرضا(ع) مشهدی می‌گوییم برای آن است که زائر به اندازه فهم خود از ولی خدا بهره می‌گیرد و وجود زائر شاکله جدیدی می‌یابد. زیارت قرار است تهاد سنخیت و هماننده‌ای باشد بنابراین در زیارت وداع با معصومین(ع) که در مفاتیح‌الجنان آمده به آن حضرات(ع) عرضه می‌کنیم ما را در حزب و گروه خود قرار دهید، به آن‌ها عرض می‌کنیم غصه ما را بخورید و اجازه دهید جزو سربازان شما شویم؛ در یادگان شما وارد شده‌ایم این یعنی تحقق حقیقت زیارت؛ زیارت قرار است نهاد سنخیت و هماننده‌ای باشد بنابراین در زیارت وداع با معصومین(ع) که در مفاتیح‌الجنان آمده به آن حضرات(ع) عرضه می‌کنیم ما را در حزب و گروه خود قرار دهید، به آن‌ها عرض می‌کنیم غصه ما را بخورید و اجازه دهید جزو سربازان شما شویم؛ در یادگان شما وارد شده‌ایم این یعنی تحقق حقیقت زیارت؛ زیارت قرار است نهاد سنخیت و همانندی